

بِسْمِ اللَّهِ  
الرَّحْمَنِ  
الرَّحِيمِ

۷۵۰ نکتہ کلیدی

متون فقہ



تدوین: مریم مظفری، روح الہ علیزادہ

انتشارات چتر دانش - ۱۳۹۷

## فهرست

۶.....	باب اول: طهارت.....
۱۱.....	باب دوم: نماز.....
۱۵.....	باب سوم: خمس و زکات.....
۱۷.....	باب چهارم: روزه.....
۲۰.....	باب پنجم: حج.....
۲۲.....	باب ششم: کفارات و نذر.....
۲۳.....	باب هفتم: جهاد.....
۲۴.....	باب هشتم: قضاوت.....
۳۵.....	باب نهم: شهادت.....
۴۳.....	باب دهم: وقف.....
۴۶.....	باب یازدهم: صدقه.....
۴۷.....	باب دوازدهم: هبه.....
۵۰.....	باب سیزدهم: عوضین.....
۵۴.....	باب چهاردهم: آداب معامله.....
۵۵.....	باب پانزدهم: بیع میوه.....
۵۷.....	باب شانزدهم: بیع حیوان.....
۵۸.....	باب هفدهم: بیع صرف و سلف.....
۶۴.....	باب هجدهم: ربا.....
۶۶.....	باب نوزدهم: خيارات.....
۷۰.....	باب بیستم: احکام بیع.....
۷۶.....	باب بیست و یکم: دین.....
۸۵.....	باب بیست و دوم: رهن.....
۹۲.....	باب بیست و سوم: حجر.....
۹۴.....	باب بیست و چهارم: ضمان.....
۹۶.....	باب بیست و پنجم: حواله.....
۹۸.....	باب بیست و ششم: کفالت.....
۱۰۰.....	باب بیست و هفتم: صلح.....
۱۰۲.....	باب بیست و هشتم: شرکت.....
۱۰۳.....	باب بیست و نهم: مضاربه.....
۱۰۴.....	باب سی ام: ودیعه.....
۱۰۷.....	باب سی و یکم: عاریه.....
۱۰۹.....	باب سی و دوم: مزارعه و مساقات.....
۱۱۱.....	باب سی و سوم: اجاره.....
۱۲۰.....	باب سی و چهارم: وکالت.....
۱۲۵.....	باب سی و پنجم: شفعه.....
۱۲۸.....	باب سی و ششم: جعاله.....
۱۳۰.....	باب سی و هفتم: وصیت.....
۱۳۵.....	باب سی و هشتم: وصایا.....
۱۳۸.....	باب سی و نهم: نکاح.....
۱۵۱.....	باب چهلم: طلاق.....
۱۵۷.....	باب چهل و یکم: اقرار.....
۱۵۹.....	باب چهل و دوم: غصب.....
۱۶۱.....	باب چهل و سوم: احیاء الاراضی.....
۱۶۳.....	باب چهل و چهارم: لقطه.....
۱۶۴.....	باب چهل و پنجم: ارث.....
۱۷۹.....	باب چهل و ششم: حدود.....
۱۹۱.....	باب چهل و هفتم: محاربه.....
۱۹۵.....	باب چهل و هشتم: قصاص.....
۲۰۰.....	باب چهل و نهم: دیات.....

## مقدمه مؤلف

سیاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت‌های او ندانند. آری سیاس بی‌کران، پروردگار یکتا را که هستی‌مان بخشید و به‌طریق علم و دانش رهنمونمان شد و به‌همنشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه‌چینی از علم و معرفت را روزی‌مان ساخت. پرواضح است که راز و رمز پویای علم و کشف معانی سریع و تجلی جلوه‌های شعوری معرفت، کیمیایی است که آسمان علم به برکت سیما و سیره نورانی نبی مکرم ﷺ انسان در بند خاک را به معراج حضور می‌خواند. لذا به پیروی از سیره نبوی که همگی در راه علم‌آموزی قدم برداشته و سعی در اعتلای آن نموده بر همین سنگ‌بنا تصمیم بر آن شد که گلچینی از نکات مهم فقهی را گردآوری کرده و در مجموعه پیش رو تقدیم دوستان نماییم.

و گلچین نکات پیش رو را تقدیم می‌کنم به پدر و مادرم که بودن‌شان تاج افتخاری است بر سرم و نامشان دلیلی است برای بودنم.

مریم مظفری

## باب اول: طهارت

**نکته ۱** المضائ ما لا يَصْدُقُ عليه اسمُ الماء باطلاقه و هو طاهرٌ، غير مطهَّرٍ مطلقاً على الاصح. و ينجس بالاتصال بالنجس. و طُهْرُهُ اذا صار ماءً مطلقاً على الاصح

آب مضاف آبی است که لفظ «آب» به تنهایی به آن گفته نشود بلکه همیشه با قیدی همراه باشد. برای آب مضاف احکامی به شرح ذیل می باشد است:  
الف: آب مضاف ذاتا پاک است.

ب: آب مضاف پاک کننده غیر نیست نه حدث را برطرف کرده و نه نجاست را  
ج: آب مضاف به واسطه ملاقات با نجاست متنجس می شود؛ اگر چه اوصاف سه گانه اش تغییر نکند.

د: آب مضاف متنجس را وقتی به کر متصل کنیم به شرطی که آب مطلق شود پاک می گردد.

**نکته ۲** و السُّورُ تابعٌ للحيوان الذي بشره. و يُكره سؤر الجلال و أكل الجيف مع الخلو عن النجاسة و الحائض المتَّهمة و سؤر البغل و الحمام و الفأرة و الحية و ولد الزنا

(سؤر عبارت است از آب قلیلی که جسم حیوان با آن ملاقات کرده باشد.) سؤر دارای دو حکم است که ذیلا بیان می شوند:

الف: سؤر از نظر طهارت و نجاست و کراهت تابع حیوانی است که با آن ملاقات نموده.

ب: سؤر پاره ای از حیوانات مکروه بوده که ذیلا بیان می شوند:

۱- سؤر جلال

۲- سؤر حیوان مردارخوار مشروط به اینکه موضع ملاقات از نجاست خالی باشد.

۳- سؤر حائضی که متهم است از نجاسات اجتناب ندارد.

۴- سؤر قاطر.

- ۵- سُوْرُ الْاِغ.
- ۶- سُوْرُ مَوْش.
- ۷- سُوْرُ مَار.
- ۸- سُوْرُ وِلْدِ الزَّنَا.

**نکته ۳** النجاسةُ عشرةٌ: البولُ و الغائِطُ من غير المأكول لحمه ذی النَّفس، و الدَّمُ و المنی من ذی النفس و ان اكل لَحْمَهُ، و المیتةُ منه، و الكلبُ و الخنزیرُ و الکافرُ و المسکرُ و الفقاعُ

نجاسات به ده مورد زیر تقسیم می شود:

- ۱- ادرار حیواناتی که:  
اولاً: گوشت آن ها خوراکی نباشد.  
ثانیاً: دارای خون جهنده باشند.
- ۲- سرگین حیواناتی که:  
اولاً: گوشت آنها خوراکی نباشد.  
ثانیاً: دارای خون جهنده باشند.
- ۳- خون حیواناتی که دارای خون جهنده باشند؛ اگرچه گوشتشان خوراکی باشد.
- ۴- منی حیواناتی که خون جهنده داشته باشند؛ اگرچه گوشتشان خوراکی باشد.
- ۵- مرده ی حیواناتی که خون جهنده دارند.
- ۶- سگ.
- ۷- خوک.
- ۸- کافر.
- ۹- هر چیزی که در اصل مایع بوده و مست کننده باشد.
- ۱۰- آب جو.

**نکته ۴** المطهراتُ عشرةٌ: الماءُ مطلقاً من سائر النجاسات- التي تُقبَلُ التطهيرُ. والأرضُ تُطهَرُ باطنَ النعلِ و أسفلَ القدمِ و الترابُ في الولوغِ و الجسمُ الطاهرُ في غيرِ المتعدي من الغائطِ و الشمسُ ما جَفَّفه من الحصرِ و البواري و ما لا يُثَقَلُ و النارُ ما أحوَلتهُ رماداً أو دخاناً و نقضُ البئرِ و ذهابُ ثلثي العصيرِ و الاستحالةُ و انقلابُ الخمرِ خلا و الإسلامُ و تَطَهَّرَ العينُ و الأنفُ و الفمُ باطنها و كلُّ باطنٍ بزوالِ العينِ

مطهرات (بکسر هاء) بر ده مورد ذیل قابل تقسیم است:

- ۱- آب: آب، مطهر تمام نجاساتی است که قابل تطهیر باشند.
- ۲- زمین: زمین، ته کفش و زیر قدم را که متنجس باشند پاک می کند.
- ۳- خاک: خاک در خصوص مورد ولوغ مطهر است.
- ۴- جسم طاهری که از آن برای تطهیر مخرج غائط استفاده می کنند مشروط به اینکه غائط به اطراف تعدی نکرده باشد.
- ۵- خورشید: خورشید از بین اشیای منقول تنها حصیر و بوریا و از غیرمنقول تمام اجسامی را که متنجس بوده و خیس باشند (اگر به واسطه تابش خشکشان کند) پاک می نماید.
- ۶- آتش: آتش جسم متنجسی را که بسوزاند و به خاکستر یا دود مبدل نماید پاک می کند.
- ۷- کشیدن و کم نمودن آب چاه.
- ۸- رفتن و کم شدن دو ثلث عصیر.
- ۹- استحاله و انقلاب خمر به سرکه.
- ۱۰- اسلام.

**نکته ۵** تذکر: درون و باطن چشم و دهان و بینی بلکه هر باطنی اگر نجس شود به مجرد زوال عین نجاست و برطرف شدن آن، پاک شده و نیازی به آب کشیدن نیست.

**نکته ۶** فی الوضوء: النیةُ مقارنةً لغسل الوجه مشتملةً علی التقرب والوجوب والاستباحه

در وضو واجب است نیت همراه و مقارن با شستن صورت باشد و مشتمل است بر قصد تقرب (قرب الی الله)، قصد وجوب (برای زمانی که در وقت عبادت باشد) و قصد استباحه (قصد رفع حدث و به دنبالش پاک شدن از حالت حدث). آن و یا دسترسی به آن بوده ولی از استعمالش خوف ضرر باشد.

**نکته ۷** فی التیمم: و شرطه عدم الماء او عدم الوصلة الیه او الخوف من استعماله

شرط تیمم یکی از سه امر ذیل است: نبودن آب، بودن آب ولی دسترسی نداشتن به آن و یا دسترسی به آن بوده ولی از استعمالش خوف ضرر باشد.

**نکته ۸** فی الغسل: و موجبہ الجنابة، والحيض، والاستحاضة مع غمس القطنه، والنفاس، و مس الميت النجس آدمياً والموت

موجبات غسل اموری است به شرح ذیل: جنابت، حیض، استحاضه به شرطی که خون در پنبه فرو رود، نفاس (خون ولادت)، مس میت نجس آدمی و مرگ.

**نکته ۹** فی الغسل: النیة واجبةً مقارنةً

در غسل واجب است نیت مقارن (با شستن سر) باشد.

**نکته ۱۰** توجه داشته باشیم که در عبارت «ذات التمییز تأخذه بشرط عدم تجاوز حدیه.» زنی که دارای تمییز باشد اصطلاحاً ذات التمییز خوانده می‌شود و حکم آن این است که در صورت تجاوز خون از ده روز موظف است همان تمییز را حیض قرار دهد مشروط به اینکه از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد.

**نکته ۱۱** فی صلاة المیت: لا تُشترطُ فیها الطهارةُ و لا التسلیمُ

در نماز میت، طهارت و سلام دادن (السلام علیکم و رحمة الله و برکاته) شرط نیست. (نماز میت این دو مورد را ندارد.)

**نکته ۱۲** فی الکفن: والواجب مئزرٌ و قمیصٌ و ازارٌ مع القدرة

در کفن سه قطعه واجب بوده و بقیه قطعه‌ها مستحب است: سه قطعه واجب عبارتند از: مئزر، قمیص و ازار. (ناگفته نماند در صورتی سه قطعه واجب است که بر تهیه آنها قدرت داشته باشد و در غیر این صورت هر مقدار که میسر باشد کفایت می‌کند.)

**نکته ۱۳** توجه داشته باشیم که در عبارت «تیمم غیرالجنب مرتین»: منظور این است که فردی که غیر جنب است و حدثی غیر از جنابت دارد که به واسطه آن حدث نیازمند غسل است، باید دوبار تیمم کند.



## باب دوم: نماز

**نکته ۱۴** وفي الصلاة: الواجبُ سبعُ: اليوميَّة، والجمعة، والعيدان، والآيات، والطواف، والامواتُ  
والملتزمُ بندِرٍ و شبهه

نمازهای واجب هفت تا هستند به این شرح: نمازهای یومیه (صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء)، نماز جمعه، نماز عید فطر و عید قربان. نماز آیات، نماز طواف، نماز اموات و نمازی که به واسطه نذرو مانند آن همچون عهد و قسم برعهده شخص آمده باشد.

**نکته ۱۵** توجه داشته باشیم که در عبارت «و المندوبُ لا حصرَ له و افضلُهُ الرواتبُ» منظور از مندوب نمازهای مستحبی و منظور از رواتب نافله نمازهای روزانه است.

**نکته ۱۶** توجه داشته باشیم که ارتداد موجب سقوط نماز قضا نمی شود برخلاف کفر اصلی، حیض و نفاس.

**نکته ۱۷** القبلة هي العين الكعبة او حکمهُ و جهتها لغيره

جهت قبله برای اشخاص دور از کعبه است ولی عین مربوط به کسانی است که کعبه را می بینند یا می توانند بدون مشقت ببینند.

**نکته ۱۸** و تَحْرِمُ العزيمة في الفريضة

خواندن سوره های سجده دار در نمازهای واجب حرام است.

**نکته ۱۹** و تَرَبُّعُ الْمَصَلِيِّ قَاعِدًا حَالِ قِرَائَتِهِ وَ تَشْنِي رِجْلِيهِ حَالِ رُكُوعِهِ وَ تَوْرُكُهُ حَالِ تَشْهَدِهِ

مستحب است نمازگزاری که نمازش را نشسته می‌خواند در حال قرائت حمد و سوره به طور مربع (چهار زانو) نشسته و در حال رکوع به دو زانو درآمده و در وقت تشهد به حالت تورک قرار بگیرد.

**نکته ۲۰** فِي السَّفَرِ وَالْخَوْفِ: تَنْتَصِفُ الرَّبَاعِيَّةُ وَ تَسْقُطُ رَاتِبَةُ الْمَقْصُورَةِ

نمازهای چهار رکعتی یومیه در سفر و هنگام ترس نصف می‌شوند و نمازهای نافله نیز ساقط می‌گردند.

**نکته ۲۱** فِي الْجَمَاعَةِ وَ هِيَ مُسْتَحَبَّةٌ فِي الْفَرِيضَةِ، مُتَأَكِّدَةٌ فِي الْيَوْمِيَّةِ، وَ وَاجِبَةٌ فِي الْجَمْعَةِ وَالْعِيدِينَ مَعَ وَجُوبِهِمَا وَ بَدْعَةٌ فِي النَّافِلَةِ إِلَّا فِي الْاسْتِسْقَاءِ وَالْعِيدِينَ الْمُنْدُوبَةَ وَالْعُدَيْرَ وَالْإِعَادَةَ

جماعت (خواندن نماز): خواندن نمازهای فریضه با جماعت مستحب است و همچنین به جماعت خواندن نمازهای یومیه مستحب مؤکد بوده و تنها در نماز جمعه و عیدین در صورتی که واجب باشند (به جماعت خواندن) واجب بوده و در تمام نوافل بدعت است؛ مگر در چهار مورد: نماز استسقاء (طلب باران)، نماز عیدین مستحب (نماز عید قربان و نماز عید فطر)، نماز عید غدیر و نماز اعاده.

**نکته ۲۲** و تَبْطُلُ الصَّلَاةَ بِتَرْكِ الْوَاجِبِ عَمْدًا أَوْ أَحَدِ الْأَرْكَانِ الْخَمْسَةِ وَ لَوْ سَهْوًا وَ هِيَ: النِّيَّةُ وَ الْقِيَامُ وَ التَّحْرِيمَةُ وَ الرُّكُوعُ وَ السُّجُودَانِ مَعًا

اگر نماز واجب از روی عمد ترک شود یا اینکه یکی از ارکان پنج‌گانه نماز ولو سهواً ترک شود، نماز باطل می‌شود. ارکان پنجگانه نماز عبارتند از: نیت، قیام، تکبیره الاحرام، رکوع و دو سجده باهم (نه یک سجده به تنهایی).

**نکته ۲۳** وَ لَا تَصِحُّ مَعَ حَائِلٍ بَيْنَ الْإِمَامِ وَ الْمَأْمُومِ إِلَّا فِي الْمَرْتَةِ خَلْفَ الرَّجْلِ

بین امام و مأوموم اگر حائل باشد جماعت صحیح نیست مگر در موردی که مأوموم زن بوده و پشت سر مرد نماز بخواند.

**نکته ۲۴** تَوَجُّهٌ دَاشْتَهُ بَاشِيمٌ دَرِ عِبَارَتِ «يَحْرُمُ قَطْعُهَا اخْتِيَارًا» مَنْظُورٌ إِيْنِ اسْتِ كِه قَطْعِ كَرْدَنِ نِمَازِ وَاجِبِ دَرِ حَالِ اخْتِيَارِ، حَرْمَتِ دَارِد.

**نکته ۲۵** تَوَجُّهٌ دَاشْتَهُ بَاشِيمٌ كِه دَرِ نِمَازِ «يَجُوزُ قَتْلُ الْحَيِّهِ وَ عَدُّ الرُّكْعَاتِ بِالْحَصِيِّ، وَ التَّبَسُّمُ»: (دَرِ حَالِ نِمَازِ خَوَانْدَنِ) جَايِزِ اسْتِ كَشْتَنِ مَارِ، شَمَرْدَنِ تَعْدَادِ رُكْعَاتِ بَا سَنَغْرِيْزِه وَ لِبِخَنْدِ زَدَنِ.

**نکته ۲۶** وَ لَا تُصَلِّيَ عَلَى الرَّاحِلَةِ إِلَّا لِعَذْرِ

نمازهای واجب را (مطلقاً) سواره نمی‌توان خواند مگر در صورتی که عذر وجود داشته باشد.

**نکته ۲۷** توجه داشته باشیم که در عبارت «و الامامُ الراتب اولی من الجمیع» منظور از امام راتب کسی است که هر روز در مکان معینی به عنوان امام جماعت نماز می خواند.

**نکته ۲۸** توجه داشته باشیم که با توجه به عبارت «و لا بأس بالبیعه والکنیسه مع عدم النجاسه» نماز خواندن در معبد یهودیان یا مسیحیان البته به شرط نجس نبودن (آن مکان‌ها) اشکالی ندارد.

### باب سوم: خمس و زکات

**نکته ۲۹** توجه داشته باشیم که طبق عبارت «لو بَلَغَ مالُ الطفلِ الى النصابِ، لا تجب زکاتُهُ» مال متعلق به طفل اگر به حد نصاب هم برسد، زکات دادن آن واجب نیست.

**نکته ۳۰** توجه داشته باشیم که می‌توان با زکات مسجد ساخت اگر از سهم «سبیل الله» استفاده شود.

**نکته ۳۱** زکاة الفطره تجب علی الکافر و لا تصح منه

زکات فطره بر کافر واجب است ولیکن در حال کفرش صحیح نیست.

**نکته ۳۲** فی زکاه الفطره تجب النیه فیها و فی المالیه و من عزّل احدهما لعذرٍ ثم تَلَفَتْ لم یضمن

در (موقع پرداخت) زکات فطره و زکات مال، واجب است نیت نماید و کسی که زکات فطره یا زکات مال را به خاطر عذری کنار گذاشت و سپس تلف شد، ضامن نیست.

**نکته ۳۳** و نفلُ الامام أرض أنجلَى عنها أو تسَلَّمَتْ طوعاً أو باد أهلها، والآجام، و رؤسُ الجبال، و بطونُ الأوديةِ و ما یکون بها، و صوافی ملوک الحرب، و میراث فاقدالوارث، و الغنیمه بغير اذنه أما المعادن فالناس فیها شرَعُ

انفال امام (یعنی مالی که به پیامبر ﷺ و امام (علیه السلام) تعلق می‌گیرد) عبارتند از: زمین خالی از سکنه، جایی که با میل و رغبت واگذار شده است، زمینی که اهالی آن از بین رفته‌اند، نی زار، قله‌ی کوه‌ها، داخل دره‌ها، آنچه که در آنها (داخل دره‌ها) یافت می‌شود (مثل درخت، معدن و...)، آنچه را سلاطین کفار حربی، از اموال اختصاصی برای خود برگزیده‌اند، ارث کسی که وارث ندارد و غنیمتی که بدون اذن امام (علیه السلام) به دست آمده است. و اما معادن (که در غیر زمین امام (علیه السلام) وجود دارد) همهی مردم در آن شریکند.

**نکته ۳۴** توجه داشته باشیم که در میان مستحقین زکات، شرط عدالت از مولفه القلوب یعنی کفاری که با پرداخت زکات به آنها، متمایل به شرکت در جهاد می‌شوند، برداشته شده است.

**نکته ۳۵** توجه داشته باشیم که صدقه غیر واجب، عقد لازم است چون نوعی هبهٔ معوض محسوب می‌شود.